**از طهران به آنکارا**

**شوکت، ممدوح**

نامه خصوصی است که ممدوح شوکت سفیر کبیر ترکیه در ایران به مرحوم‏ فروغی سفیر کبیر در ترکیه نوشته و شاید از نظر تذکار بعضی از وقایع‏ مفید باشد.این مکتوب به فارسی خواناست بخط خود ممدوح شوکت،بعضی‏ اغلاط املائی هم دارد که تصحیح نکردیم.مجلهء یغما

حضور مبارک حضرت اشرف آقای محمد علی خان فروغی دامت شوکته

قربانت شوم،پس از تقدیم مراتب اخلاص و مودت احترامکارانه معروض حضور اشرف میدارد که چنانچه تلغراف عرض کرده بودم،در بیستم ماه مارس بطهران رسیدم و مراسلهء جناب اشرف را، همان‏روز،خدمت برادر والاگهر حضرت اشرف،فرستادم.روز بعد قصد شرفیابی خاکپای اعلیحضرت‏ همایون داشتم ولی،در قوم(قم)مختصر واقعهء اتفاق افتاد و اعلیحضرت همایون آنجا تشریف فرمودند و آقای وزیر دربار هم در رکاب همایون بودند.از این جهت بزودی،شرفیابی حاصل نشد.و اتفاقا سلام عیدهم نزدیک بود.بنده در موقع سلام بحضور اقدس اعلیحضرت همایون مشرف شدم. آقای وزیر دربار را هم،برای اولین دفعه درآنجا دیدم که تازه از قوم مراجعت فرموده بودن.در همان موقع،روز شرفیابی بحضور اعلیحضرت مقرر شد.بنده را در قصر سلطنتی قبول فرمودند و جزئیات‏ احوال را هیچ موضوع مذاکره نه‏فرموده دوستدار را به‏اندازهء غریق التفات فرمودند که بنده واقعا، از سرور درونی،ممکن نشد که امتنان قلبیه خود را عرض کنم و این‏همه مراحمی که نسبت به بنده‏ اظهار میشود همه را از توجهات حضرت اشرف میدانم و از ادای تشکر این توجهات قاصرم.

اعلیحضرت همایون مستدعیات بنده را،راجع‏بمقدمات اصلاح بین دو مملکت،قبول فرمودند. بنده از این‏جهت هم خیلی خوشحال شدم.و حاضر بودن دولت ایران را در جلوگیری از اکراد جلالیها،و احساساتی که در اینجا حکمفرماست بوزارت امور خارجهء ترکیه نوشتم.دیگر امید بنده‏ بحضرت اشرف است.در صورتیکه حضرت اشرف،مدتی،در مملکت ما اقامت فرمایند،بنده کاملا امیدوارم که در سایهء افکار مدبرانهء آن وجود محترم،تمام مسائل حل خواهد شد.

اوضاع و احوال طهران،بحمد اللّه،خوب است.الوار اخیرا مرحوم عبد اللّه خان امیر لشکر را هدف گلوله کردن.و دشمنان مملکت این واقعه را میخواستند اهمیت بدهند.در صورتیکه واقعه خیلی‏ مؤسف و عادی بود.آقای امیر لشکر مسافر بودن و خیلی بی‏احتیاطی کردن؛الوار که اصلا ایلاد و اشرار هستند و دزدی و قطع طریق نتیجهء زندگانی آنهاست و شاید برای مانع شدن از ایجاد راه‏ در طرف جنوب،انگشت اجنبی هم حرکت کرده،برشرارت خودشان افزوده،در وسط راه دیدن‏ که یک دستگاه اتومبیل میاید به اتومبیل مزبور حمله،عبد اللّه خان و شوفور ایشان را کشتند ولی‏ نمیدانستن که کرا کشته‏اند.

این واقعهء مختصر قوم هم عبارت از یک حرکت جسورانه یک‏نفر آخوندی بود که نسبت‏ به یکی از مخدرات محترمه،در درون مقبرهء معصومهء قوم،در وقت تحویل برج بعمل،برای روگشادن‏ بعمل آمده بود.این جسور بی‏ادب را دستگیرکردن،حبس‏نمودن،شاید کوتک هم زدن و بسیار خوب شد؛تأثیرات خوبی بخشید.

قبل از این قضیه،واقعهء دیگری،در قوم اتفاق افتاده بود:بعضی اشخاص خیلی زحمت کشیدن، پول زیادی خرج کردن،چندین رأس آخوند را بقوم جمع‏کردن و از این حرکت امیدواری‏های‏ زیادی داشتن که شاید حکومت ایران از لگد اینها زمین خواهد خورد،و محتاج آقایان خواهد شد.درصورتیکه قضیه برعکس شد.این آخوندها آخور را دیدند و آخر را نه‏دیدن!حکومت‏ آنجا رفت یک چند کلمهء مختصری گفت.این‏ها خواستند که یک کاغذی امضاء بکنند،آن‏هم نشد. الان هیچ‏کدام از این‏ها مجال نفس کشیدن ندارند.

مسئله کاپیتولاسیون بخوبی میگذرد،مسئلهء راه‏آهن هم علی‏رغم فرمایشات آقای دکتر مصدق‏ رسید یعقوب و غیرهم،یک صورت عملی پیدا کرده است،نقشه‏کشی راه‏آهن به یک قونسوسیوم‏ که عبارت از آلمانیها و امریقانهاست،واگذار کردن و از مجلس گذشت.

قراردادهای ایران و روسیه تأثیرات خوبی بخشیده است،هرچندیکه تجارت بروسیهء امروزی‏ اشکلاتی دارد ولیکن نسبت به سالهای گذشته احوال تجار رو ببهودی است و اعتبار قران نسبت به‏ لیره‏انگیز از پنجاه و یک به چهل و پنج ترقی کرده است.

اعلیحضرت همایون الان در طرف کرمانشاهان تشریف دارند.آژانس رویتر اصرار دارد که اعلیحضرت همایون شخصا فرماندهی قوای آن حدود را بعهده گرفته‏اند.درصورتیکه این‏یک‏ مسافرت معمولی بود که هرسال میکند.

در طهران هنوز تابستان نیامده است.شبها خونک است.

آقای کریم آغا خان،که تازه برشرف سرتیبی مفتخر شده‏اند،خیابان‏ها را گشاد میکند. خیابان استامبول هم،در عرض یک‏ماه پهن خواهد شد.اول خیابان چراغ برق خیلی قشنگ‏ شده است.تنها چراغ‏های برق،همین‏طوریکه بود،هست.

ما که بدرد خانه گرفتاریم هنوز یکخانه پیدا نه‏کرده‏ایم.امیدوارم از مراحم کفیل وزارت‏ خارجه که در زمستان آینده مرا زیر چادور نه‏گذارند.

برای خریداری،منزل شاهزاده ناصر الدوله،که در خیابان امیریه واقع شده است،پیدا کردم.و خیلی پسندیده‏ام بحال ما مناسب است.به توفیق رشدی بک پیشنهاد کردم،اگر قبول‏ بفرمایند سفارت سابق را فروخته این‏جا را بخرم.

در این عریضه خیلی تصدیح دادم.بیش از این جسارت نمی‏کنم.دوام و بقای سلامتی‏ حضرت اشرف را آرزومند بوده احترامات قلبیهء خود را تقدیم می‏نمایم.

20 آوریل 928-طهران/اراتمند ممدوح شوکت

توضیح:نامهء مرحوم فروغی که در شمارهء پیش بچاپ رسید،در چند سال قبل هم چاپ شده است-ازین تکرار معذرت می‏خواهیم هرچند عیب ندارد.مجلهء یغما